

## پیام پنج

### جنبه سلطنت کننده حیات بالغ که در زندگی یوسف دیده می شود

خواندن متون مقدس: پیدایش ۴۱: ۳۹-۴۴، ۵۱-۵۲؛ ۴۵: ۵-۸؛ ۴۷: ۱۴-۲۳؛ ۵۰: ۱۵-۲۱

۱. بر طبق تجربه روحانی، یعقوب و یوسف یک شخص هستند. یوسف نماینده جنبه سلطنت کننده اسرائیل بالغ، ساختار مسیح در طبیعت بالغ یعقوب است؛ یعقوب به عنوان یک مقدس بالغ که با مسیح، آن فرد کامل، ساخته شده بود، از طریق یوسف سلطنت کرد - پیدایش ۴۱: ۳۹-۴۴؛ عبرانیان ۶: ۱؛ غلاطیان ۶: ۸؛ ۵: ۲۲-۲۳:

آ. جنبه سلطنت کننده که یوسف نماد آن است، مسیح است که در وجودمان ساخته می شود - ۱۹: ۴.

ب. یوسف، «صاحب خواب ها» (پیدایش ۳۷: ۱۹)، خواب دید که، طبق نگرش خدا، مردمش بافه های گندم پر از حیات و بدن های اجرام آسمانی پر از نور هستند (آ. ۵-۱۱)؛ دو خواب یوسف (آ. ۷، ۹)، هر دو از جانب خدا، نگرش الهی خدا در مورد طبیعت، جایگاه، عملکرد و هدف مردم خدا بر روی زمین را آشکار کرد:

۱. ما باید از «تلسکوپ الهی» برای دیدن در طول زمان و نگرستن بر اورشلیم نو استفاده کنیم، جایی که چیزی جز بافه های پر از حیات و ستارگان پر از نور وجود ندارد. از این رو، جنبه سلطنت کننده حیات بالغ هرگز در مورد مقدسین یا کلیسا سخن منفی نمی گوید - ر.ک. ۳۸: ۲۷-۳۰؛ متی ۷: ۱-۵؛ ۱ پطرس ۳: ۸-۹.

۲. خواب های یوسف زندگی او را کنترل می کرد و رفتار او را هدایت می نمود؛ او بسیار عالی و شگرف رفتار می کرد زیرا با آن بینشی که در خواب های خود دید هدایت می شد (ر.ک. اعمال ۲۶: ۱۹)؛ برادرانش خشم خود را بیرون ریختند (پیدایش ۳۷: ۱۸-۳۱) و به شهوات خود پرداختند (۳۸: ۱۵-۱۸)، اما یوسف خشم خود را مهار کرد و شهوت خود را مغلوب نمود (۳۹: ۲۳-۷)، رفتاری همچون یک بافه پر از حیات داشت و مانند ستاره ای آسمانی که در تاریکی می درخشد رفتار می کرد.

پ. زندگی یوسف تحت بینش آسمانی، زندگی پادشاهی آسمان ها بود که در متی ۵-۷ توصیف شده است؛ با زیستن یک چنین زندگی، او کاملاً برای سلطنت به عنوان یک پادشاه آماده بود؛ طبق ساختار پادشاهی آسمانی که در این فصل ها در متی آشکار شده است، خشم ما باید مهار شود، و شهوت ما باید مغلوب گردد (۵: ۲۱-۳۲).

ت. جنبه سلطنت کننده حیات بالغ، حیاتی است که همیشه از حضور خداوند مسرت می برد (اعمال ۷: ۹)؛ هر جا حضور او باشد، اقتدار و قدرت حاکم است (پیدایش ۳۹: ۲-۵، ۲۱-۲۳):

۱. در حضور خداوند، یوسف توسط او [خداوند] سعادت یافت. در حالی که یوسف تحت بدرفتاری قرار می گرفت، از سعادت خداوند که زیر حاکمیت خداوند نصیبش می شد، مسرت می برد.

۲. در حضور خداوند، یوسف در هر کجا که بود، با برکت خداوند مورد لطف قرار می گرفت؛ وقتی که یوسف از سعادت مسرت می برد، او و کسانی که با او در ارتباط بودند متبرک می شدند - آ. ۴-۵، ۲۲-۲۳.

ث. با اینکه خواب های خودش هنوز برآورده نشده بودند، یوسف ایمان و شهامت آن را داشت که خواب های دو همراهش در زندان را تعبیر کند (۴۰: ۸)؛ عاقبت، یوسف به طور غیرمستقیم توسط سخن گفتنش با ایمان، در تعبیر خواب آن ساقی، از زندان آزاد شد (۴۱: ۹-۱۳)، و او مستقیماً از طریق سخن گفتن با شهامت خود از تعبیر خواب های فرعون، به تخت سلطنت راهنمایی شد (آ. ۱۴-۴۶)؛ هم آزادی و هم اقتدار، از طریق سخنانش به او رسید:

۱. اندرو موری یکبار سخنی بدین گونه گفت: خدمتگزار نیکوی کلام باید همیشه بیش از آنچه که تجربه کرده است خدمتگزاری کند. این بدان معناست که ما باید بیشتر طبق بینش سخن بگوییم تا طبق تحقق آن بینش.

۲. حتی اگر بینش ما تحقق نیافته باشد، باز هم باید از آن با دیگران صحبت کنیم؛ زمانی خواهد آمد که بینش ما تحقق خواهد یافت؛ خواب های یوسف عاقبت از طریق تعبیر خواب آن ساقی تحقق یافتند.

۳. ما نباید بر طبق احساسات خود، بلکه بر طبق آن بینش آسمانی صحبت کنیم. ما بینش گرایان، بینندگان اقتصاد جاودان خدا هستیم، پس باید بر طبق مطلق بودن حقیقت اقتصاد او سخن بگوییم - اعمال ۲۶: ۱۶-۱۹.

ج. اگر ما مسیح را زیست می کنیم، در هر کجا که باشیم، یا زندگی یا مرگ خواهیم آورد (۲ قرنیتان ۲: ۱۶-۱۴)؛ یوسف برای آن ساقی، بازسازی، و برای آن خباز، اعدام را آورد (پیدایش ۴۱: ۱۲-۱۳).

چ. اگر جویای خداوند باشیم، او ما را در «سیاه چال» قرار خواهد داد. ما بدون سیاه چال نمی توانیم به تخت [عرش] صعود کنیم؛ ما نباید یک «ترک کننده سیاه چال» باشیم؛ ما باید در سیاه چال اقامت کنیم تا وقتی که فارغ التحصیل شده و تاج را دریافت نمایم - افسسیان ۳: ۱؛ ۴: ۱؛ یعقوب ۱: ۱۲.

۲. یوسف به عنوان یک شاخه بارور (پیدایش ۴۹: ۲۲)، نماد مسیح به عنوان آن شاخه (اشعیا ۱: ۱۱-۲) برای شاخه زدن خدا از طریق ایماندارانش به عنوان شاخه های او است (یوحنا ۱۵: ۱، ۵). در پیدایش ۴۹: ۲۲، سرچشمه نشانگر خدا، منشأ باروری است (مزامیر ۳۶: ۹؛ ارمیا ۲: ۱۳)، و شاخه ها که از دیوار برآید نشانگر ایمانداران مسیح به عنوان شاخه های او هستند، که مسیح را بر هر محدودیتی پخش کرده، او را در هر شرایطی بزرگنمایی می کنند (فیلیپیان ۱: ۲۰؛ ۴: ۲۲؛ فیلیمون ۱۰):

آ. در دریافت جلال و عطایا در تخت نشینی خود، یوسف نماد مسیح است که در صعودش (پیدایش ۴۲: ۴۱)، جلال (عبرانیان ۲: ۹) و عطایا (مزامیر ۶۸: ۱۸؛ اعمال ۲: ۳۳) دریافت کرد:

۱. انگشتر، جامه ها، و زنجیر طلا نشان دهنده عطایایی است که مسیح در صعود خود به آسمان ها دریافت کرد، همان عطایایی که او به کلیسا داده است - آ. ۴۲:

(آ) انگشتر مهر نشانگر روح القدس به عنوان مَهْری در درون و بر روی ایمانداران مسیح است - اعمال ۲: ۳۳؛ افسسیان ۱: ۱۳؛ ۴: ۳۰؛ ر. ک. لوقا ۱۵: ۲۲.

(ب) جامه ها نشانگر مسیح به عنوان عدالت عینی ما برای عادل شمرده شدن ما در برابر خداست (۱ قرنیتان ۱: ۳۰؛ ر. ک. مزامیر ۴۵: ۹، ۱۳؛ لوقا ۱۵: ۲۲) و به عنوان عدالت باطنی ما که از ما زیست می شود تا شایستگی شرکت در ازدواج بزه را داشته باشیم (فیلیپیان ۳: ۹؛ مزامیر ۴۵: ۱۴؛ مکاشفه ۱۹: ۷-۹).

(پ) زنجیر طلا نشانگر زیبایی روح القدس است که برای اطاعت که در تسلیم ابراز می شود، داده شده است (ر. ک. اعمال ۵: ۳۲). گردن زنجیر شده دلالت بر اراده ای دارد که برای اطاعت از فرمان خدا، مغلوب و مهار شده است (پیدایش ۴۱: ۴۲؛ ر. ک. غزل غزلها ۱: ۱۰؛ امثال ۱: ۸-۹).

۲. بر طبق ترتیب تجربه روحانی، ما اول مهر روح را برای نجات دریافت می کنیم؛ سپس جامه عدالت را دریافت کرده و شروع به زندگی کردن مسیح می کنیم (غلاطیان ۲: ۲۰؛ فیلیپیان ۱: ۲۱-۲۰)؛ برای اینکه بتوانیم مسیح را زندگی کنیم، گردن ما باید زنجیر باشد، اراده ما باید توسط روح القدس مغلوب و مهار گردد.

ب. پس از رستخیز از زندان مرگ و وارد شدن به جایگاه صعود، یوسف با آسناات ازدواج کرد که کلیسا را که طی رد شدن مسیح توسط فرزندان اسرائیل، از دنیای غیریهودیان برگرفته شد، به تصویر می کشد (پیدایش ۴۱: ۴۵). یوسف نام نخست زاده خود را منسی (به معنای «فراموشی دادن») و

نام دومی را اِفرایم (به معنای «دوبار بارور») نامید؛ یوسف اعلام کرد: «خدا مرا از تمامی مشقتم و تمامی خانه پدرم فراموشی داد،» و «خدا مرا در زمین مذلتم [دوبار] بارور گردانید» (آ. ۵۱-۵۲).

۳. روایت زندگی یوسف، مکاشفه ای از فرمانروایی روح است، زیرا فرمانروایی روح، همان جنبه سلطنت کننده یک مقدس بالغ است. فرمانروایی روح (یک زندگی سلطنت کردن در حیات، تحت انحصار و محدودیت حیات الهی در واقعیت پادشاهی خدا)، بالاتر از هر جنبه دیگری از روح است - رومیان ۵: ۱۷، ۲۱؛ ۱۴: ۱۸-۱۷؛ ر.ک. ۲. قرنثیان ۳: ۱۷-۱۸؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ مکاشفه ۴: ۱-۳:

آ. با اینکه یوسف سرشار از احساسات و عواطف انسانی نسبت به برادرانش بود، او خود را با تمام احساساتش تحت فرمانروایی روح نگه داشت. او به برادرانش هوشیارانه، عاقلانه و با قدرت تشخیص رسیدگی کرده، آنها را بر طبق نیازشان تأدیب کرد تا آنها را کامل کرده و بنا سازد تا مردمی جمعی باشند که با هم به عنوان شهادت خدا بر روی زمین زندگی می کنند؛ حیاتی که در داستان یوسف نمایان شده است، حیات رستاخیز است، همان حیات خدا - پیدایش ۴۲: ۹، ۲۴؛ ۴۳: ۳۰-۳۱؛ ۴۵: ۱-۲، ۲۴.

ب. زندگی یوسف تحت محدودیت خدا، تصویری از زندگی انسانی مسیح، بلوغ و کمال حیات الهی را نمایان ساخته و پادشاهی خدا را به ارمغان آورد - یوحنا ۵: ۱۹، ۳۰؛ ۷: ۱۶، ۱۸؛ ۱۴: ۱۰؛ متی ۸: ۹-۱۰. پ. در رسیدگی یوسف به برادرانش، می بینیم که او دارای یک زندگی آرام، یک زندگی هوشیارانه، و یک زندگی با قدرت تشخیص و با عشق به برادرانش بود - یک زندگی از انکار خود به عنوان تمرین زندگی پادشاهی - پیدایش ۴۵: ۲۴؛ متی ۱۶: ۲۴؛ ۲ قرنثیان ۱: ۱۰؛ اشعیا ۳۰: ۱۵؛ فیلیپیان ۱: ۹؛ ۱ تیموتائوس ۵: ۱-۲؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۱۲؛ ۴: ۹؛ ۲ تسالونیکیان ۱: ۳؛ رومیان ۱۲: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۴: ۹؛ عبرانیان ۱۳: ۱.

ت. قدرتمندترین شخص، کسی است که قوت انجام ندادن آنچه که قادر است را دارد - این انکار واقعی خود و حمل صلیب به طور اصیل است - متی ۱۶: ۲۴؛ ر.ک. ۲۶: ۵۳؛ ۲ قرنثیان ۲: ۱۲-۱۶. ث. درک یوسف این بود که این خدا بود که او را به مصر فرستاد؛ او در پیدایش ۵۰: ۲۰ به برادرانش گفت: «شما درباره من بد اندیشیدید، لیکن خدا از آن قصد نیکی کرد» (۴۵: ۵، ۷؛ ۵۰: ۱۹-۲۱؛ ر.ک. ۴۱: ۵۱-۵۲)؛ این واقعیت سخن پولس در رومیان ۸: ۲۸-۲۹ است؛ یوسف هرآنچه را که برادرانش با او کرده بودند، از جانب خدا پذیرفت و آنان که او را آزوده بودند را تسلی داد (پیدایش ۴۵: ۸-۵؛ ۵۰: ۱۵-۲۱). او چه فیض و چه روح عالی ای داشت!

۴ چون یوسف رنج می برد و خود را انکار می کرد، غنای تأمین حیات را کسب کرد (سرود شماره ۶۳۵)؛ مردم برای دریافت غذا از او به عنوان نمادی از مسیح، باید چهار نوع بها می پرداختند: پولشان، دامهایشان، سرزمینشان و خودشان - ۴۷: ۱۴-۲۳؛ ر.ک. مکاشفه ۳: ۱۸:

آ. پول نمایانگر سهولت، دامها نشانگر وسایل زندگی، و سرزمین نمایانگر منابع است. اگر بخواهیم تأمین حیات را از خداوند به عنوان توزیع کننده دریافت کنیم، باید سهولت، وسایل معاش و منابع خود را به او بدهیم؛ هر چه بیشتر به او بدهیم، تأمین حیات بیشتری از او دریافت خواهیم کرد. ب. در نهایت، برای دریافت بهترین سهم از خداوند، از جمله غذا برای رضایت و بذریه تولید چیزی برای دیگران (پیدایش ۴۷: ۲۳)، ما باید خودمان، هر بخش از وجودمان را به او تحویل دهیم (لاویان ۱: ۴).

پ. وقتی ما با تحویل دادن هر بخش از وجودمان به او، بالاترین بها را پردازیم، از بهترین سهم مسرت از مسیح، مسرت می بریم.

۵ آن برکت عالمی بر یوسف، در اورشلیم نو، در آسمان و زمین نو، که همه چیز در آن به عنوان برکتی برای مسیح و ایماندارانش خواهد بود، تکمیل می شود - پیدایش ۴۹: ۲۵-۲۶؛ تثنیه ۳۳: ۱۳-۱۶؛ مکاشفه ۲۱: ۵:

آ. دگرگونی این است که به طور سوخت و سازی با نوبی حیات الهی تغییر کنیم؛ بلوغ، پر شدن از نوبی حیات الهی که ما را تغییر می دهد است؛ و برکت، لبریز شدن حیات است. پایان زندگی یعقوب با یوسف، یک زندگی از برکت به عنوان اوج درخشش او بود - امثال ۴: ۱۸؛ عبرانیان ۱۱: ۲۱؛ پیدایش ۴۷: ۷؛ ۴۸: ۱۵-۱۶.

ب. فقط خدا نو است؛ هر چیزی که از خدا دور بماند، کهنه است، ولی هر چه به خدا بازگشت می کند، نو است (۲ قرن‌تیاں ۵: ۱۷). نو شدن به معنای بازگشت به خدا و داشتن چیزی از خدا در ما است تا برای زندگی بدن، با خدا آمیخته و با خدا یک شویم (۴: ۱۶؛ رومیان ۱۲: ۱-۲).

پ. رمز دریافت خدا به عنوان برکت نو بودن ما، آوردن همه چیز به خداست و اینکه بگذاریم او وارد همه چیز شود؛ برکت عالمی بر یوسف بدین معناست که برکت همه جا هست؛ ستایش های ما همه چیزهای ملعون سقوط را به برکت تبدیل می کند - افسسیان ۵: ۲۰؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸.